آیا دانا

ارگان حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم
سال سوم- شماره ۱۱۵ سه‌شنبه‌سی‌ام دیماه ۱۳۳۱
بهاء - یك ریال

رپورتاژی از سخنرانی روزشنبه ۲۷ر۱۰ر۳۱ درحزب ما

می خواستند از برگزاری سخنرانی همگانی

حزب ما جلوگیری نمایند اما سیمای خشمگین سروران حزب این توطئه را نقش بر آب کرد

برپایه روش دیرینه ، حزب ما در روزهای شنبه همه هفته سخنرانی های سیاسی وفکری بپا می کند که همگان می توانند در آن شرکت نمایند .

روز شنبه گذشته (۲۷ر۱۰ر۳۱) از بامدادان فعالیت خستگی ناپذیری برای برگزاری یك سخنرانی مهیج ودشمن شکن آغاز گشت گروهی از سروران سرگرم آراستن سالن سخنرانی وآویختن بلندگو ومشتی دکر برای خبر کردن دوستان حزبی درد بیرستانها وکارگاهها وغیره تلاش شایانی می کردند کوتاه سخن :

از ساعت ۵ بعد ازظهر بلندگو آغاز همهادادن نمود و مردم پیرامون جایگاه حزب را بدین سخنرانی که برای شکستن کمرسرسپردگان ذخیره شده بیگانه و پشتیبانی ازیکتا رهبر انحراف ناپذیر ملت ایران برپا می گشت ، می خواند بلندگو بدون وقفه شعارهای ملی وحزبی :

«درود به دکتر مصدق پیشوای ارجمند وپیکارجوی ملت ایران»

«پان ایرانیسم رستاخیز رهائی بخش ملت ایران است»

«حزب قهرمان ملت ایران از ... های ملت پرستانه دکتر مصدق پشتیبانی می کند» ، می داد .

مهمانان وجوانان میهن پرست وافراد حزب کم کم برای شنیدن این سخنرانی ، برهنمائی نگهبانان بدرون سالن هجوم می آوردند .

عقربه های ساعت ، وقت را ۶ بعداز ظهر نشان می‌داد و بدنبال آن دقایق دیگر را سر میکذاشت در این هنگام در آستان درب حزب هیاهوئی شنیده میشد حکومت قلدر نظامی میخواست بدرون حزب ما راه یافته وازاین سخنرانی جلوگیری کند ولی نگهبانان شجاع درب حزب با یك بر

بقیه در صفحه ۲

تظاهرات میهن پرستانه حزب ما

دیشب از ساعت ۶ تاساعت ۹ پس از ظهر دربرابر مجلس پرچمهای مبارزاتی حزب ما برافراشته بود که برگرد آن افراد قهرمان حزب ما حلقه زده رفراد میکشیدند

«یامرگ یا مصدق»

زدو خورد شدیدی بین پیکار جویان پان ایرانیست با توده‌ای های آشوب طلب (وطن فروش) در گرفت که در نتیجه سرسپردگان ذخیره شده (کرملین) پابگریز نهادند...

نمایندگان ! ملت ایران بشما فرمان میدهد بدون درنگ لایحه اختیارات را تصویب کنید

بار دیگر امپریالیسم آزمند انگلستان درحساس ترین لحظات تاریخ مردم میهن ما، برای در هم کوبیدن سنگر شکست ناپذیر میهن پرستان ایران بپاخواسته است بار دیگر دستگاه هیئت حاکمه بیاری بیگانگان میکوشد دکتر مصدق را از تلاش درراه بزرگی ملت ایران باز دارد.

بازهم دردقایق حساس کنونی گاه و بیگاه فریادهای هومی بگوش ملت مامی رسد بازهم درموقعیت خطیر کنونی کسانی داسته یا ندانسته بارهبر خردمند ایران ستیز می کنند بازهم برضد منافع نهائی توطئه باز گردیده است.

ما بخون سوگند خورده‌ایم
که تا آخرین نفر و تا آخرین نفس
بجنگیم پروردگار قسم اگر بدکتر
مصدق اختیارات قانونی داده نشود
ما میدان بهارستان را بخون می کشیم
نمایندگان مجلس : دادن
اختیارات بمصدق فرمان ملت ایران
است بفرمان ملت ایران سرسپارید
پاینده ایران

رپورتاژ از متینگ باشکوه مردم تهران روز دوشنبه درمقابل بهارستان

از - ح - پاینده

مردم شرافتمند تهران بار دیگر قدرت

لایزال و نیروی خدائی خود را بپیروز بمیدان ستیز استعمار فرستاد

سرور میر عبدالباقی یکی از افراد پیکارجوی حزب ما که در روز سی‌ام تیر، روزرستاخیز میهنی توسط قلدران نظامی زخمی شدند

از لحظه‌ایکه ملت قهرمان ایران متوجه شد که استعمار انگلیس آخرین ذخیره جاسوسان ودست پروردگان خود را بمیدان ستیز مبارزین ضد استعمار ایران زمین فرستاده است خود را مجهز و باردیگر خنجر آخته خود را از نیام بدر آورد و کفن پوشیده وجان بر کف نهاده بمقابله با عربیان ودست نشاندگان استعمار شتافت

حزب ملت ایران که از همان اوان تنها پرچمدار مبارزاتی ضد استعمار اجتماعات و دموستراسیونها ومیتنگها در مواقع حساس که ما موطن احتیاج به فداکاری داشت شناخته شده بود در این موقع که دولت نمایان مصدق وریاکاران وسالوسان که ماسك ملت دوستی به چهره زده بودند و ازهیب خنجر زهرآلود استعمار اورا برپشت ملت فرومیکردند لازم دید در این موقع باریك ودقیق ملت ایران در این لحظه‌ای که حیات وممات ملت در میان است بار دیگر روشن بینی وحقیقت بینی خود را نشان دهد

وچون گذشته از تنها منجی ملت ایران یاری کند و بازوان توانای مصدق قهرمان را که در اثر زخمهای خنجر کثیف دوست نمایان مصدق مجروح شده بود بگیرد و نیروی حزبی و ارژی سربازان از جان گذشته خود را به پشتیبانی مصدق زخم خورده درمیدان نبرد بفرستد

حزب ازساعت ۶ر۵ صبح که معلوم شد جلسه فوق‌العاده مجلس برای روشن کردن تکلیف دکتر مصدق تشکیل میشود بنیروهای حزبی دستور آماده باش داد و با شعار «یامرگ یامصدق» «یامرگ یا اختیارات دادن بمصدق بت شکن» بسوی بهارستان روانه کرد پرچم سرخ فام مبارزاتی حزب

دلاوران پان ایرانیست از این بازیچه‌های نمی ترسند

ملت ایران پس از سی تیر باردیگر در فضای بهارستان باهنزاز درآمد صدای یکنواخت وآوای مردانه سربازان جان گذشته پان ایرانیست رهگذران را مجبور میکرد که بی اراده بدنبال آنها براه افتند شعف وشادی زنان ودختران وصدای دست کوبیدن هربرین یك هورا میهن پرستانه بود بزرك وما بابت بخشیده بود

مردم از گوشه و کنار درصف رزمندگان جوانان پان ایرانیست گرد می آمدند و شعار «یامرگ یامصدق» هرلحظه زیادتر میشد اجتماع رفته رفته روبتزاید گذاشت تاحدیکه عبور و مرور وسائط نقلیه در میدان بهارستان قطع شد مامورین انتظامی می خواستند مردم را متفرق کنند ولی سیل جمعیت بحدی بود که امواج آن مامورین انتظامی را درخود باین سو و آن سو میبرد ناگهان بلندگوی حزب ملت ایران خطاب بافسران وسربازان گفت ای فرزندان وطن و ای پاسداران راه آزادی واستقلال ایران مراجم مردم شرافتمند تهران نشوید مطمئن باشید ملت ایران رشد فکری و قدرت انتظامی خود را بنحوی که

دنیا را باعجاب وتحسین وادارد در روز ۳۰ تیر ثابت کرد که دیگر احتیاج بسر نیزه مامورین انتظامی و باطوم پلیس برای انتظامات ندارد بروید دورشوید ، بروید وبگذارید مردم زنجیر شده، ملت محروم و

بقیه در صفحه ۲

از سرور دکتر بصیر استاد دانشگاه

سخـــــــــن

تعریف:

منظور از سخن عبارت از ادای مطالب درونی بوسیله یك سلسله اصوات وحرکاتی که در ناحیه محتویات دهان از قبیل گلوواب وزبان انجام میشود.

آدم دردوران کوچکی در نتیجه دیدن اعمال سخنوری اطرافیان خود یعنی پدرومادروغیره حرکات لب ودهان را ازراه چشم فرا میگیرد ودر مغز خود نگهمیدارد وهمچنین اصوات سایرین گویندگان را ازراه شنیدن به حرکات سخنوری دیده شده منطبق می کند ازآن جائیکه یك مسئله عوالم درونی ما نند خواسته ها اورا برمی انگیزد.

لذا در درون مغز آن اصوات دیده دیده وشنیده را که بر هم منطبق شده با خواسته های خود مقایسه میکند.

بنابراین درمغز ودرون خود یکنوع سخنوری ایجاد می شود

آنگاه برای فهماندن آن خواسته های درونی که بصورت سخنوری درونی متشکل شده است بسایرین ناگزیر می شود همان اصوات را مطابق دلخواه خود تکرار کند.

بدین طریق سخنوری ظاهری ایجاد می گردد.

تکرار اصوات و کلمات در نزد آدمی بصورت یك گرامافون نیست بلکه تمام کلمه ها باحالات های مختلف درونی آمیخته شده وانواع مختلفی پیدا کرده است.

زیرا بازیروبم کردن صوت وپس و پیش کردن کلمات دراصل مطلب تغییراتی میدهد وهرحالت درونی وهرخواسته خود را بطریق مختلفی ادا میکند.

در واقع از تکرار همان بصورت های مختلف مطالب مختلفی را بشخص دیگر می فهماند.

فهماندن مطالب درونی بغیر خود فقط بوسیله سخن انجام نمی شود بلکه وسایل دیگری نیز وجوددارد که مکتونات قلبی را میتواند بسایرین بشناساند مثلا نوشتن مطالب درونی رسم کردن ونقاشی کردن

بقیه در صفحه ۳

سرور ارجمند : مهدی میثمی یکی از رزمندگان ودلاوران پان ایرانیست که چندی پیش بلشویکهای بزدل پیکر ویرا در بابل بخون و خاك آلودند ولی او سوگند خورده که انتقام خونینی از ایشان باز گیرد

نغمات ایران پرستی

از : نوید

((پیمان هم پیمانان))

پیمان نامه‌ای نداشتند و پیمان سپردند
که هم پیمان مانند... که هم رزم و هم اندیش
باشند، که از هم‌انگاه ببرد پیکر خود را با
اهرمنان ودد خویان دنبال کنند..

زیرین برگنامه سوگند دستینه‌ای نهادند.

آری ... آنان از دست
توانای مادر میهن برگدای داشتند

یکتن از سروران در حال سخنرانی در روز شنبه

وبفرمان نیاکان وفداکاران تاریخ
پرارج ایرانزمین بپاشدند ودر
اندیشه زدودن بدمنشان وبخوی
وخاك سایيدن پوزه پلید ناپاگیرگان
پیکاری را آغاز کردند که انجام
وبام آن پیروزی ایرانی را در
دامان گرم می فشرد .

آنان آهنگ نمودند که پندارها و انگاشته های تیه انگیز وسیه دردن بیهوده روشانه را از خود ومیهن وملت خود زدوده و آتشی برافروزند چون آتشکده خشم ملت پرستان ، بگون «آذرگشنسب» ، تا لاشه‌های آلوده به بدیهای بیگانه پرستان وباوه گویان را درشعله‌های دامن دار آن بسوزاند.

آری ... آتش گلگون فام
درونی و دیرینه آنان از دیرین
گاهی پان ایرانیزم وشیوه رها
بخش آن بود ..!

☆☆☆

... هم رزم شده بودند تادرخاك تیره وفشرده میهن هم بستر شوند و بادرفش رزنگار وسهمگین فرهنك وتمدن ایران باستان را دوش گرفته واهرمنان وفریاد کنان درحالیکه سرود چیرگی وپیروزی سرایند ... وبرپشته کشته‌های پلید اهرمن پرچم میهن کوفته ومیافرازند ... در باز پسین دم مرك بلند آوا بگویند.

«پاینده ایران»

...

مانده در صفحه ۲

درود به قهرمان ضد استعماری ملت ایران، پاسدار ایران شکست ناپذیر

MANCHESTER 1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

سخن

بقیه از صفحه ۱

مناظر دیده شده و یا سیالی همه ازاین دسته هستند همچنین موزیك و حرکات که می‌توانند مکنونات درونی را باصوت موزیك و حرکات موزون (مانند رقص‌ها) و غیر موزون (مانند حرکات کردلالها) بسایرین نمایند.

اما باید دانست اثراتی که هریك از اینطرق درقلب وروح مخاطب ایجاد می کند بیك شدت واندازه و نوع نیست بلکه شوری که بانواختن نوتهای موزیك دردل ایجاد می کند شعر و یا نقاشی جانشین آن شود همچنین اثری که شعر و نقاشی و یا حرکات در شنونده و بیننده می گذارد موزیك نخواهد توانست آن اثر را ایجاد کند.

پس درواقع هریك ازاین طرق یك نوع اثرخاصی درقلوب و روحها تولید می کنند.

جمع اعمال روانی وسخنوری شاخص آدمی است.

آدمی در ظاهر از حیث ساختمان بدنی واعمال حیاتی جانداری است مانند جانداران دیگر. ما اعمال وعوالم مخصوصی انسان را ازسایر جانداران متمایز میکند و اورا برسایرین برتری میدهد.

سعدی قوای روانی را علامت مشخص کننده انسان برحیوان است میفرماید

تن آدمی شریف است بجان آدمیت

برخی دیگر قدرت سخنوری او را دانسته اند ولی باید دانست هیچکدام از این دو قوه نمی توانند به تنهائی شخص انسان باشد زیرا ممکن است بعضی جانداران مانند طوطی بتواند صرفا از راه تقلید اصوات انسانی را ادا کنند اما جاندار نمی تواند اصوات فرا گرفته مطابق اعمال درونی و خواسته های خود تغییر شکل دهد وآن را بمنظورهای متفاوتی ادا کند.

پس درواقع مجموع قوای روانی و قدرت تکلم می تواند شاخص انسان قرار بگیرد و باصطلاح انسان را از عالم سفلای حیوانی بعالم علیای آدمی صعود دهد.

می توان این دو قدرت وقوه را باسم تعقل وسخنوری نامید تعقل وسخنوری مایه ترقی آدمی و تمدن بشری است نظر باینکه آدمی می تواند افکار و [illegible] تمایلات خود را بوسایل مختلف بسایرین بفهماند همچنین بکار بردن اندیشه خود برای حل سختی های زندگی اندیشه سایرین را وادار بکار میکند که همه اینها بوسیله سخنوری بهم ارتباط پیدا میکنند بنابر این اولین وسیله و یگانه انگیزه تمدن همانا سخنوری است. مراکز سخن در مغ دانشمندان پیشین مانند دژ بن ز معتقد بودند که برای هریك ازاعمال زیر سخنوری نوشتن شنیدن و دیدن یك مرکز مخصوص وجود دارد که هرکدام یکی ازاین مراکز خراب شود سبب عقیم ماندن همان قوه خواهد بود، مثلا اگر مرکز سخنوری علیل شود درسخنوری لکنتی ایجاد خواهد شد ازآنجائیکه فکر اینکه در مغ مراکزی وجود دارد با علم وعمل وفق نمیداد ازاین جهت پ. ماری گفته های پیشینیان را رد کرد و گفت همانطوری که برای راه رفتن وشمشیر بازی مرکزی وجود ندارد همان طور هم برای هیچکدام از اعمال درونی مرکزی نیست فقط از نظر اعمال بیرونی سخن بیشتر حرکات لب و دهان وغیره مرکزی درقسمت چپ مغز هست که این اعمال را تضمین می کند وآنهم هیچ رابطه با اعمال درونی ندارد

در قدیم برای هرکدام ازروشهای فهماندن مکنونات قلبی مانند سخنوری نوشتن موسیقی وغیره یك مرکزی جداگانه فکر میکردند این فکر هم درست شده بلکه امروزه نوشتن وخواندن و موزیك وحرکات وغیره همه جزو سخنوری است بنا بر این میتوان بقیه را از مشتقات سخن دانست.

صعود آدمی ازعالم پائین بعالم بالا آدمی همانطوری که در اعمال غیر موثر یکی ازمشاهده میکردند دارای عالمی است سفلی که ازآن عالم باید بتدریج بعالم بالاتر صعود کند.

میدانیم نوزاد انسانی گو اینکه شکل ظاهری آن شبیه نوع خوداوست ولی هنوزازنظر روانشناسی مشخصات انسانی دراو ظاهر نشده است فقط غرایز طبیعی هر ذیروح در او ایجاد شده مانند

خورد و خواب وشهوت شفقت است و جهل وظلمت پس باید رفته رفته و کم کم از این غرایز صرفنظر کند، بگفته سعدی درآید تاطیران آدمیت را به بیند

پس نوزاد بتدریج بزرگ می شود البته محیط هم باو مساعدت می کند. و شروع میکند بفرا گرفتن اصوات و کلمات که آن را بافهم وادراك ممزوج کرده در باطن خود نگهمیدارد.

بدینوسیله یك سخنوری باطنی سپس سخنوری خارجی دراو ایجاد می شود

بمحض پیدایش این نوع سخنوری یعنی بجریان انداختن سخنوری باطنی از راه سخنوری خارجی از عالم حیوانی بعالم آدمی قدم می گذارد. پس هرقدر این قدرت دراو شدت یابد وبحد کمال برسد قدرت آدمی دراو شدید تر و یا مقام آدمی دراو ببالا ترها صعود خواهد کرد

یك اصل مسلم دیگری سبب ارتقاء بشر بعالم بالاتر هست وآن عبارت است ازاکتشاف وتفصیل بعد از تقلید.

بدین معنی انسان درسنین کودکی چون جانداری بیش نیست بنابر این قدرت تقلید را همانطوری که در حیوانات موجود است بحد اکمل میباشد بطوری که بیشتر اعمال بشری را منحصرا ازروی تقلید یاد می گیرد

حال اگر انسان بدرجات بالاتر آدمی جلوه کند این تقلید جنبه الکتاب الفصل بخود می گیرد یعنی گفته و کرده دیگران را اکتساب می کند و با عقل وفهم وشعور خود در آن تغییرات جزئی و کلی واساسی می دهد سپس یك ابداعی در آن پدید می آورد. که این ابداع پایه اولیه کلیه اختراعات وترقیات بشری است. پس درواقع ابتدا قدرت تقلید حیوانی آدم را وادار بفرا گرفتن می کند سپس با تعقل ابداعی درآن ایجاد می کند.

هر قدر انسان پیشرفت کند ازقدرت تقلید آن کاسته میشود و بر قدرت اکتساب افزوده وابداع سبب کار واندیشه میگردد و این خود بزرگترین وشاید یگانه عامل ترقی و تمدن بشری است.

پس معلوم می شود هرقدر درفرد یا جامعه قدرت تقلید بیشتر باشد آن فرد یا جامعه هنوز نتوانسته ازعالم حیوانی قدمی فراتر گذارده بعالم آدمی وارد شود و بعکس هرقدر اکتساب وابداع فرد یا جامعه برقدرت تقلید او افزایش یابد که تحریك کننده کار واندیشه اکتسابی است پس آن فرد یا جامعه در راه ترقی وتمدن بشری رهسپار است دیر یا زود بعالم آدمی خواهد رسید. و طیران آدمیت را آنطوری که سعدی فرموده خواهد دید.

استفاده ملتها ازقدرت سخن.

میدانیم که هرملتی که از ابتدای پیدایش تاکنون با یك سلسله اصلاحات و کلماتی ادای مطلب کرده اند نظر باینکه ملتها در اصل تفکر وتعقل وراه و مشی روانی باهم تفاوت پیدا کرده اند بنا براین درطرز بیان مطالب نیز دربین آنان اختلافات موجود است ازاینجهة جمله بندی وفهم مطلب در زبانی غیر ازجمله بندی وفهم آن درزبان دیگر است،

اینجا اولین آثار نگهداری تفکر ونقش آن نیست در بین افراد تحصیل کرده آن ملت ریخته میشود.

بتدریج وقتیکه ملتها بترقیات مادی میرسند بهمان اندازه برسرمایه معنوی و تعداد لغات واصوات فهماننده مطالب می افزایند بطوری که اگر مجموع کلمات یك ملت عهد حجر ازچند صد کلمه تجاوز نمی کرد اکنون باترقیات آن ملت تعداد لغات بچندین هزار میرسد

وهنوز رو بتزاید است

ملاحظه میشود که هرقدر ملتی ازحیث تمدن روز بحد اکثر بهره مند هستند بهمان برسرمایه معنوی خود افزوده اند.

بدین معنی که تحولات وترقیات تمدن باافزودن سرمایه سخن هردو بطور موازی پیش میرود

بطوریکه اگر زبانی را امروز مشاهده کنیم که ازحیث سرمایه لغوی خیلی مستغنی است باید یقین کرد که ملت آن زبان هم بهمان اندازه از سرمایه مادی یعنی صنعتی وغیره ثروتمند میباشد.

و نیز هر ملتی که ازحیث سخن با خواسته های تمدن روز بی چیز اند باید اذعان کرد که ازهرحیث ناتوانند.

با در دست داشتن نکات بالا و با مقایسه اینکه زبان سرمایه ترقی بشر است میتوان بآسانی دریافت که ملت هائی که ازحیث سخن درعجز وناتوانی هستند تاچه حدودی از افق آدمی پائین تر قرار دارند

برای اینکه ساده گفته باشم چنین توجیه میکنم

سخنوری مایه و پایه ترقی است و ترقی وتمدن برسرمایه سخن میافزاید و این افزایش بادانش واندیشه صورت می گیرند که نه پایانی برای دانش واندیشه می توان فرض کرد و نه حدودی برای افزایش سرمایه سخن پس هر که سخن ندارد دانش واندیشه محروم است چیزی ندارد ومحروم ازهمه چیز است

مردم شرافتمند

آورد که مگر از روی پیکره‌های بیجان ما بدرون حزب راه یابید.

بلندگوی حزب هم بدون ایست و دقیقه متجاوزین بحزب ما را می هراساند، سرور تفنگساز گوینده برنامه و شعار در پشت تریبون قرار گرفته و چنین گفت:

«تجاوز بحزب قهرمان ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم با گلوله های آتشین پاسخ داده می شود»

«مرگ بر هیئت مزدور و رذل حاکمه»

«پیروز باد مصدق پاسدار ایران شکست ناپذیر»

درساعت ۶/۵ پس ازظهر دیگر جای ایستادن درسالن نبود و ناچار مشتی از سروران درحیاط ویا اطاقهای دیگر حزب گرد آمده بودند و گروهی ازمردم قهرمان تهران نیز که در میدان بهارستان برای شنیدن این سخنرانی دقیقه شماری میکردند بفرمان حکومت نظامی که از بیم آبرو ریزی هیئت حاکمه و دشمنان مصدق می هراسید دورمیشدند درین هنگام برنامه سخنرانی در ۶ بخش به آگاهی دوستان رسید و بدین شمار آغاز گشت.

۱- سرور بازیار با گفتار «سروران هنگام نیایش کردگار است بپاخیزید!» خواندن سرآغاز ونیایش خدای بزرك را شروع نمودند.

۲- سرور احمد رحمانی «کارگر» شعری را که یك بیت از آن نگاشته شده باشور و هیجانی خواند.

مجلس شورای مارا مایه ادبار بین
ای مصدق دوستانت را خیانتکار بین

۳ - سرور تقی زاده پشت تریبون قرار گرفته و با بیان رسائی گوشه هائی از پیکار گذشته پان ایرانیستها را بسرشته گفتار آوردند ایشان فرمودند که: چون عظمت ملت ایران هدفی نشناخته ایم و برای نجات ایران از استعمار بیگانه کفن برتن کرده ایم ما باهمه مشکلات روزافزون ازدکتر مصدق قهرمان بزرگ ضد استعماری تا آخرین نفس پشتیبانی خواهیم کرد و حزب پرافتخار ما راه پرسنگلاخ تاریخ را با اراده هواداران خود بدنبال خواهد کشید و زور را بازور و گلوله را با گلوله پاسخ خواهد داد.

۳ - غنچه سرور رزمنده حزب ما مقاله ای را که درباره ستایش انقلاب وفرمان خون نگاشته شده بود خواندند

۴ - سرور غفوری منشی شورای بزرك رهبری به گذشته غرور آمیز و پر افتخار سازمان های نهانی پیشین پان ایرانیسم ها که نطفه حزب ما را در برداشته پرداختند سرور غفوری نیز گذشته را بدنبال نهاده وسیاست امروزی را پیش کشید وتهمت و افترائی را که دشمنان ملت ایران بحزب ما پایگاه ضد استعماری مردم میهن مامیزنند ناراست دانسته وفریاد کشیده اند که حزب ملت ایران تاروز هستی ازقهرمان پرافتخار ملی پشتیبانی نموده و برنامه های میهن پرستانه اورا می ستاید ایشان ازخودسریهای برخی ازخود کامان جبهه هماهنك ملیون آشفته شده و نوید پیکار پرجوشی را عرضه کردند.

پس ازسخنرانی سرور غفوری گوینده برنامه پشت تریبون قرار گرفته و گفت «درود بزندانیان نبردجوی حزب ما» وی پیامی خشن و آگهی پر خروش نبرد آینده پان ایرانیستها را بهیئت حاکمه رذل چنین عرضه کرد.

«زندانها، شکنجه ها، مرگها، بی سروسامانیها، گرسنگیها؛ آوارگیها؛ از آن ما، کاخهای آسمان خراش سرمایه ها و قلدری هـــــــای فزون، از آن هیئت مزدور حاکمه، تا برسد روز خونین انتقام زیرا انتقام مظهر عدل الهی است

۵ - سرور محمود بازیار کاردار سازمانی درپیرامون صلح وجنك سخنانی برزبان رانده که بر آینده اینسان است «صلح ثمره افکار سست وضعف جهودها و جنك با پلیدی ها وزشتی ها واهریمنان شیوه مردان روزگار است وتاریخ لبریز است ازجنك ها وستیزه ها و افتخارات ملی، ما برای پاسداری خانواده های ایرانی باید شیوه دومین را پسندیده و پیوسته برومند وقوی باشیم چه بگفته اشپنگلر تاریخ دادگاه جهان است وهمیشه بسود قوی‌تر، کاملتر، پرشورتر فرمان داده است»

۶ - گوینده برنامه پایان سخنرانی را باخواندن سرود فردای ما آگهی کرد وی پس ازشمارش رشته سرود را خود رهبری داده وبدین ترتیب فریادهای میهن پرستانه جوانان حزب ما سرود «خیزوسر کن دوره رنج وسختی - روزگار ضعف ویاس و بدبختی.... را سروده و کنفرانس پایان پذیرفت گروه گروه ازهزاران مرد میهن پرست ازجایگاه حزب بیرون شده ولی درآستان درب با افرادی روبرو می شدند که می گفتند:

«کتاب پان ایرانیسم چه می گوید بها ۵ ریال:

دوستان بخزانه تهی حزب ما کمك کنید انتشارات ما را نیرو بخشید»

بدین ترتیب یك سخنرانی پر خروش پایان یافت درحالی که در نخست حکومت قلدر نظامی میخواست جلوگیری کند ولی سنگربندی های گروه حمله ما این توطئه را نقش برآب نمود..

نوید

پاینده ایران

پیمان هم پیمانان

بقیه ازصفحه ۱

هم میهن ...!

رستاخیز پان ایرانیسم که بیاری آریا مردان دلاور در پهنه ایران گسترش می یابد ازژرفنای تاریخ دیرین سال سرزمین تو به گوش می رسد و بسوی آینده تابنده و درخشانی پیش می تازد

وپتك پولادین و آتش زای تاریخ هزاران ساله کشور ناب نژادان را بر پیکر ددمنشان و بیگانه خواهان می کوبد و در اندیشه

بپا کردن فرهنك باشکوهی آنچنان مشعل فروزانی می افروزد که از تابش روشنائی آن استعمار گران گرك خوی گریخته وملتهای دگر بگون ستاره گان آسمان ازخورشید آن تابناك زرین می گردند ......

آری... شما هم ملت

پرستان ایرانی براه انحراف ناپذیر پان ایرانیسم سر بسپارید! ودر میدان نبرد با دشمن خون خود را به آستان مادر وطن پیشکش دهید.. زیرا دیروز که نهال نورس وشاخه های بی بر پان ایرانیزم در کشتزاری ازنومیدیها وسیه کاریها و تباهی هارونید قهرمانی ارجدار وملت خواه با خون سرخگون خود ریشه های آن را آب یاری داد ولی امروز که درخت تنومند و برومند آن ازهرسوی وروی شاخسی بار آورده باید که باخون روان شما رزمندگان و پیکار جویان ایران پرست سیراب گردد تادرسد سپیده دم پدید روزگار پیروزمندی...

آنروز که پهنه گشت فرهنك نوین ایران بزرك وسرفراز گیاهانی باروریو بوته هائی پرسیم وزر برآورد..

آنگه که همسازی وهماهنگی مردم فلات، هاله های سیاه ونشانهای پراکندگی ایرانیان را ازدرفش باستانی برگیرد و ایرانی: بسوی جنبش فرهنگی پیش راند.

آری.. بامید آنروز.

روز توانائی و پیروزمندی پان ایرانیزم روزیکه هیئت حاکمه خون خوار ورذل دردوزخ انتقام خاکستر شود.

دورانیکه پیمان ناگسستنی خود را با پان ایرانیزم آرمان ارزنده وجنبش رهابخش ایران نشکافتنی‌تر پیوند دهیم

پاینده ایران

آپادانا
ارکان حزب ملت ایران بربنیاد پان ایرانیسم
دارنده امتیاز:
امیرسلیمان عظیما
زیر نظر هیئت تحریریه
محل اداره بهارستان اول خیابان صفی علیشاه

میخواستند از برگزاری

بقیه ازصفحه ۱

ستمکشیده، ملت ظلم دیده ایران صدای خود را بگوش نمایندگانیکه میخواهند علیه

اراده ملت یعنی دکتر مصدق

اقدامی کنند برسانند که ندادن اختیارات بمصدق یعنی بازی کردن باحیات و هستی خودتان ندادن اختیارات بمصدق بت شکن استعمار یعنی آتش زدن به خرمن هستی خود وملت ایران وجاری کردن سیل خون در بهارستان وشهرهای ایران، مردم دمادم فریاد میزدند «یا مرگ یا مصدق» شدت احساسات بحدی رسیده بود که بیم هرگونه حوادث میرفت تاحدیکه اخلالگران می خواستند مردم خشمگین وعصبانی را بمحوطه بهارستان بریزانند تا نمایندگان ریاکار و دوست نما وخائن را ریزه ریزه کنند ولی چون حزب ملت ایران عهده دار رهبری این اجتماع بوده اجازه هیچگونه اخلال و بی انضباطی را نداد سرور تقی زاده یکی از ناطقین حزب ملت ایران خطاب بنمایندگان گفت: ای نمایندگان مجلس اکنون ملیونها چشم مردم استعمارزده ایران بسوی بهارستان دوخته شده است وبا دقت تمام متوجه سرنوشت خود می باشد خوب توجه کنید که اگر با مصدق مخالفت کنید سرخود را بر باد داده اید با مصدق مخالفت کردن یعنی با اراده و خواست ملت ایران مبارزه کردن است و مصدق دم شیر است اورا ببازی نگیرید که عاقبت شومی برای شما ببار خواهد آورد آنگاه اعلام کرد که اگر امروز تکلیف اختیارات را بنفع مصدق خاتمه ندهید لوله طپانچه های ما بسوی مغزهای گندیده شما نشانه گیری شده است و با اندك مخالفت واستقامت درمقابل اراده ملت با یك فرمان کاسه سرتان ازمغزهای عفن زده پاك می شود دیگر خود دانید و قدرت وتوانائی خودتان درمقابل گلوله های ما.

سپس سرور بازیار ناطق دیگر خطاب بمردم و نمایندگان مجلس گفت:

هنوز خونهای نوجوانان آزاده ایران زمین ازروی سنگها و اسفالتهای خیابان بهارستان خشك نشده است.

هنوز صدای صفیر گلوله های ددصفتان که بر قلوب پرشور میهن پرستان می نشست در گوش طنین انداز است هنوز آه ها و ناله ها وعزاداری های مادران داغدیده بچه های یتیم شده نوعروسان ناکام تمام نشده است

آری هنوز کفن گلگون کفنان

۳۰ تیر خشك نشده است که شما مزدوران ددصفت مجددا میخواهید صدها نوجوان آزاده این آب و خاك مقدس را فدای اطفای شهوت ومنافع ومطامع شخصی خود کنید بهوش باشید این مرتبه ملت ایران اگر قیام کرد ابتدا به سراغ شما ناجوان مردان ناپاك خواهد آمد وشما را در شعله های آتش انقلاب وانتقام وخشم خود خواهد سوزانید

آنکه انقلاب مقدس وخونین خود را که درامواج خروشان وسیل آسای آن اجساد کثیف وپلید مزدوران وریاکاران ودروغ گویان غوطه ور است توسعه میدهد

لحظه بلحظه بتعداد دوستان مصدق وطرفداران آزادی واستقلال ایران عزیز افزوده میشد هر لحظه ناطقین جریان احساسات مردم شهرستانها را باطلاع مجتمعین می رسانید مردم تهران برای مردم رشید شهرستان ها بخصوص آذربایجان و آبادان و اصفهان وهمدان درود فرستادند بازار تهران بندای حزب ما پاسخ داد و تعطیل عمومی اعلام کرد درهر گوشه ای از بازار ناطقین حزب ما علیه مزدوران انگلیس ودست آویز شدگان استعمار وحقانیت مصدق سخنرانی میکردند دبیرستانها تعطیل شد دبیرستان ناصرخسرو اعلام کرد تامجلس اختیارات بمصدق ندهد ما در کلاسها حاضر نخواهیم شد دانشگاه هم اعلام کرد که فردا (سه شنبه) تعطیل خواهد کرد این شور و هیجان و احساسات بحدی رسیده بود که بیم همه گونه اغتشاش وآشوب میرفت ولی حزب روشن بین ما که درمدت ۹ سال مبارزه تجربه آموخته بود بقدری دررهبری اعتصاب بازار ودبیرستان ها و میتینك بهارستان نبوغ نشان داد که مورد تحسین واعجاب مردم تهران قرار گرفت - مردم ازساعت ۶ صبح تا ۲ بعدازظهر گرسنه وتشنه فقط به نیروی ایمان واعتقاد بمصدق وباشعار یامرك یا مصدق روی پای خود ایستاده وبهیچوجه متفرق نمیشدند تااینکه ساعت ۲ بعدازظهر آقای حاج سیدجوادی ازبلندگوی حزب ما اعلام داشت که بالاخره ملت پیروز شدند و نمایندگان درمقابل اراده ملت تسلیم شد وقرار است امروز ساعت ۶ بعدازظهر بلایحه اختیارات دکتر مصدق رای موافق داده شود مردم باشنیدن این مژده بدستور بلندگوی حزب ما متفرق شدند وتاتجدید قوائی نموده ودومرتبه ساعت شش بعداز بعدازظهر بسوی بهارستان رهسپار شوند

در آخرین لحظات که روزنامه زیر چاپ رفته بود شنیدیم که مجلس شورا اختیارات مصدق را تصویب کرده است

نخستین جلد کتاب

پان ایرانیسم
چه میگوید

نشریه شماره (۳)

را ازدفتر سازمان مرکزی حزب ویا ازکتابفروشیهای معتبر خریداری نمائید

چاپخانه اختر شمال
خیابان اکباتان جنب وزارت فرهنگ